



## حوزه‌های علمیه شیعه و سیاست

گفت‌وگو با آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی

موضوع گفت‌وگو با آیت‌الله واعظزاده خراسانی، تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه و مناسبات آن‌ها با حکومت‌ها بود؛ اما می‌توان با پرچم‌دار معاصر تقریب نشست و از وحدت سخن نگفت! «علامه»، لقبی که رهبر معظم انقلابی او را بدین نام خوانده است، در آستانه نودسالگی، سال‌ها و نام‌ها را در حافظه دارد، با شور و دقیق سخن می‌گوید و در هر موضوعی که باب سخن را می‌گشاید، خاطراتش را نیز از سال‌های دور یا سفرهای دوردست به یاد می‌آورد. خاطراتی که در این مختصر نمی‌گنجد...

### اولین حوزه‌های علمیه

از مطالعه تاریخ چنین برمی‌آید که در زمان رسول اکرم (ص)، مساجد نه تنها محل عبادت، که محل تعلیم و تربیت و حتی قضاوت و بلکه تا مدت‌ها محل سیاست هم بوده است. پس از آن نیز تا حدود چهار قرن، حوزه علمیه در مساجد دایر بوده و بنایی برای مدرسه و تدریس علوم اسلامی وجود نداشته است. دو حوزه علمیه معروفی که از آن دوران باقی است، مساجدی هستند که اتفاقاً توسط پیروان اهل بیت (ع) تأسیس شده‌اند؛

ری، نیشابور و شاید شهرهای دیگر. البته او خودش شافعی بود و در نظامیه همین مذهب ترویج می‌شد؛ اما پس از او کم‌کم مراکزی برای حوزه علمیه، هم در اهل سنت و هم در شیعه تأسیس شد.

### حوزه‌های علمیه شیعه در تعامل با حکومت‌ها

شیعه در دوران بنی‌عباس در تقیه بوده و حتی اهل بیت (ع)، نمی‌توانستند در مسجد فعالیت کنند و تعلیم و تربیت را در منزل دنبال می‌کردند. این تقیه در زمان

جامع قرویین در شهر فاس مغرب و جامع الأزهر در مصر، هر دو در مسجد بوده‌اند و در قرن اخیر به دانشگاه تبدیل شده‌اند. اولی مسجدی است که توسط اداره‌س، اولین شیعیانی که جدا از خلافت اسلامی امارت تأسیس کردند، ایجاد شد و جامع الأزهر هم در قرن چهارم و توسط فاطمیین به وجود آمد.

به نظر می‌رسد اولین مدرسه علمیه مستقل خارج از مسجد، نظامیه بغداد بوده است که توسط خواجه نظام‌الملک، از وزرای بنی‌عباس ایجاد شد؛ ابتدا در بغداد، سپس در

آیت‌الله واعظزاده خراسانی از وحدت و تقریب مذاهب می‌گوید

## تقریب حوزه‌های تشیع و تسنن

### شیعه و سنی و وحدت‌های دروغین

مسئله وحدت را اول بار سیدجمال به عنوان یک شیعه مطرح کرد و شیعه در رأس تقریب، حتی در میان اهل سنت است. چون آن‌ها اصراری به این کار ندارند؛ اما شیعه اصرار دارد که خود را به عنوان یک مذهب اسلامی بشناساند. تا این که افرادی از آن‌ها هم این فکر را ترویج کردند و حتی بر جواز پیروی از مذهب شیعه فتوا دادند. افرادی هم که پیرو آن‌ها هستند، در حقیقت طرفدار تقریب‌اند

و آن‌هایی که نیستند، اطلاعی از این حرف‌ها ندارند و می‌گویند شما شیعیان دروغ می‌گویید و مقصودتان از تقریب این است که همه را شیعه کنید! البته متأسفانه در طرفین هستند کسانی که دروغ می‌گویند! خیلی از شیعیانی که ادعای وحدت می‌کنند، می‌گویند وحدت این است که بپایید شیعه شوید! اگر چنین باشد، آن‌ها هم در مقابل مقاومت می‌کنند. اما اگر وحدت را آن‌گونه تعریف کنیم که سیدجمال مطرح کرد

و در دارالتقریب و مجمع تقریب ترویج می‌شد، به جایی می‌رسد که می‌گویند اجتهاد آزاد است و مذهب شما هم حق است و می‌شود از آن تقلید کرد. باید در مسائل قدری فکر کنیم که حد و حدود تشیع چیست؟ آیا غیر از علی (ع) و پنج شش نفر، همه صحابه کافر بوده‌اند؟! پس چرا این قدر برای شهادت جنگیدند؟ چرا قرآن را جمع‌آوری کردند؟ نمی‌شود این‌ها را به صورتی که تندروهای شیعه می‌گویند، قبول کرد. این است که باید فکر کنیم و راه معتدل

و معقولی را به دست آوریم.

### تاریخ تقریب

در بین شیعه و سنی، همیشه افراد ملایمی بوده‌اند که با هم در ارتباط بوده‌اند؛ اما مسئله وحدت اسلامی، تقریباً از قرن سیزدهم و توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی شروع شد. به نظر می‌رسد او برای دعوت به وحدت اسلامی، نمی‌خواست به عنوان شیعه این کار را بکند؛ چون اهل سنت قبول نمی‌کردند! بنابراین در افغانستان، خودش را